

پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری‌گری بر گفتمان انقلاب اسلامی

داود فیض افرا* / حسین ارجمینی** / عیسی مولوی وردنجانی***

چکیده

بازتولید اندیشه «اخباری‌گری» به عنوان یکی از مهمترین رقیب گفتمان انقلاب اسلامی، تهدیدی جدی برای این گفتمان محسوب می‌شود. بر خلاف گفتمان انقلاب اسلامی، اخباریان با محدود کردن منابع استنباط احکام به احادیث و مخالفت با استفاده از عقل و اجتهاد و اجماع وارد عرصه تنگ نگرش به دین می‌شوند که محصول آن محدود کردن دین به امور فردی خواهد بود.

بنابراین با توجه به نگرش حداقلی اخباریان به دین، پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری را در دو حیطه می‌توان مورد بررسی قرار داد. 1. در حیطه اندیشه سیاسی بازتولید اندیشه اخباری منجر به ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست، ترویج اندیشه تعطیلی حکومت اسلامی در عصر غیبت، و تضعیف جایگاه ولی فقیه و اختیارات او خواهد شد. 2. در حیطه عمل سیاسی نیز بازتولید اندیشه اخباری‌گری موجب خدشه در مقبولیت نظام، تقابل با نظام اسلامی و بی‌اعتباری احکام حکومتی خواهد شد.

واژگان کلیدی

اخباری‌گری، گفتمان انقلاب اسلامی، حکومت اسلامی، ولایت فقیه

*. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول)

feizafra@chmail.ir

arjeni4@gmail.com

molavi131@gmail.com

تاریخ پذیرش: 97/11/10

** استادیار دانشگاه معارف اسلامی

*** دانشجوی دکتری گرایش انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

تاریخ دریافت: 97/10/10

تبیین مساله

هر گفتمانی برای تداوم حیات خویش نیاز به بررسی میزان فعالیت، قدرت، در دسترس بودن و بازتولید گفتمان های رقیب است. بدون توجه به فعالیت و قدرت یابی گفتمان های رقیب، زمینه انحطاط گفتمان مسلط فراهم می‌شود. گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمانی است که پایه آن بر «عقل و اجتهاد اصولی» استوار است. از قرن چهارم هجری همواره میان دو اندیشه اصولی و اخباری نزاع و اختلاف وجود داشته است که پیروزی استاد وحید بهبهانی (ره) در سده سیزدهم هجری موجب تسلط اندیشه اصولی شد. به برکت این پیروزی اصل اجتهاد قدرت یافت که ثمره آن در پیروزی گفتمان انقلاب اسلامی نمایان شد.

بنابراین اندیشه اخباری، یک رقیب دیرینه و قدیمی برای گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. اندیشه اخباری با محدود کردن منابع استنباط احکام شرع به روایات معصومین علیهم‌السلام و حرمت اجتهاد و تقلید، راه را بر استفاده از قرآن کریم، عقل و اجماع می‌بندد که ثمره آن نگرش حداقلی به دین خواهد بود این در حالی است که پایه گفتمان انقلاب اسلامی بر نگرش حداکثری به دین استوار است.

از سوی دیگر اندیشه اخباریگری با پذیرش شکست از اصولیان به طور کلی از بین نرفت و به صورت نامحسوس به طرق مختلف به حیات خود ادامه داد تا این که چند دهه است که به صورت قوی دست به بازتولید خود زده است (نویسنده در مقاله ای دیگر به صورت مفصل شواهد بازتولید را مورد بررسی قرار داده است) بازتولیدی که در صورت قدرت یافتن و در دسترس قرار گرفتن می‌تواند هسته و دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی را مورد تهدید قرار دهد.

از این رو بررسی پیامدهای بازتولید اندیشه اخباری گری بر گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان مهمترین رقیب این گفتمان، امری مهم و ضروری است. بررسی پیامدهای سیاسی اندیشه اخباری علاوه بر دارا بودن جنبه هشدار و پیشگیری، با شناخت موارد مورد تهدید و نقاط آسیب پذیر، می‌تواند به راهکارهای مواجهه و مقابله با این جریان و درنهایت به تداوم حیات و تسلط گفتمان انقلاب اسلامی یاری رساند.

پیش از ورود به مباحث اصلی ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

اولاً: با توجه به گستردگی مباحث و محدودیت این مقاله، سعی شده پیامدهای سیاسی اخباری گری به صورت مختصر مورد بحث قرار گیرد.

ثانیاً: با توجه به اینکه آثار مشخصی از سوی اخباریان در خصوص مباحث سیاسی تالیف نگردیده

است بنابراین پیامدهای سیاسی که در این نوشتار بیان می‌گردد مربوط به پیامدهای سیاسی در خصوص محدود کردن منابع استنباط احکام شرعی به احادیث در اندیشه اخباریان است. به عبارت دیگر نتیجه اندیشه اخباری‌گری «نگرش حداقلی به دین» است و پیامدهای سیاسی این نوع نگرش مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

نکته دوم: از آنجا که هر اندیشه‌ای در درون خود دارای تفکری یکدست نبوده و همواره تعدد آراء در آن وجود دارد اندیشه اخباری نیز به دو دسته افراطی و معتدل تقسیم می‌شود در دسته افراطی میرزا محمد اخباری و ملا محمد امین استرآبادی و در دسته معتدل ملامحسن فیض کاشانی و علامه مجلسی قرار می‌گیرد. دسته بندی فوق بر اساس نگرش آنان به محدوده منابع استنباط احکام شرعی و همچنین نوع برخورد با مخالفان انجام گردیده است. با توجه به گستردگی آراء در اندیشه اخباری‌گری در این مقاله پیامدهای سیاسی «دسته افراطی» اخباریان مورد تبیین خواهد شد.

مولفه های اصلی اندیشه اخباری‌گری

مولفه‌های اندیشه اخباری

برای فهم و بررسی تشابه شواهد موجود با اندیشه اخباری، ابتدا ضروری است مهمترین مولفه‌های اندیشه اخباری به صورت بسیار مختصر بیان گردد تا بتوان از این طریق آثار و شواهد موجود و میزان مشابهت آن با جریان اخباری‌گری را بررسی کرد.

1- عدم حجیت ظواهر قرآن برای عموم مردم:

قرآن کریم یکی از متونی است که همواره در طول تاریخ مورد استناد مکاتب و فرقه‌های مختلف شیعه بوده است. اخباریان قرآن کریم را به عنوان منابع و ادله احکام می‌پذیرند اما مخاطب آن را اهل ذکر یعنی ائمه اطهار (ع) قلمداد می‌کنند و معتقدند استنباط احکام نظری از قرآن جز برای مخاطبین واقعی آن امکان پذیر نیست.

عمده ترین دلیلی که ملامحمد امین استرآبادی برای عدم حجیت ظواهر قرآن ذکر می‌کند این است که قرآن دارای آیات ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه است و نیز هم راه با قرآینی است که تفسیر آیات بدون آن قرآین امکان ندارد از نظر وی علم به ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن و سایر قرآین آن تنها در اختیار ائمه معصومین است لذا در تفسیر قرآن باید به احادیث ائمه رجوع نمود.

(استرآبادی، 1424، 94)

2- حجیت احادیث امامان معصومین

یکی از ویژگی‌های و مولفه‌های اصلی جریان اخباری‌گری حجیت احادیث در نزد آنان است امری که وجه تسمیه این جریان فکری نیز همین موضوع است. اخباریان معتقدند تمامی آنچه انسانها برای هدایت نیاز داشته اند در قالب احادیث بیان شده است همچنین اغلب آنها معتقدند احادیث و اخبار روایت شده از ائمه اطهار که در کتب معتبر به ویژه کتب چهارگانه موجود است کلا صحیح و معتبر است و قطعا از ائمه اطهار صادر گردیده است از این رو قطعی الصدور است بنابراین بررسی روایات موجود در کتب اربعه به لحاظ سند نارواست. استرآبادی به صحت جمیع احادیث کتب اربعه در نزد امامیه و اصولا صحت غالب احادیث امامی قائل است و در فوائد المدنیه دوازده وجه را برای اثبات این ادعا آورده است. (استرآبادی، همان، ص 272-296) علامه بحرانی نیز تقسیم بندی احادیث به انواع چهارگانه را باطل می‌داند. (آل غفور، 1386: 102)

اخباریان در روش بکارگیری احادیث، صرفا به ظاهر آن عمل می‌کنند. وجود فتوهای فراوان در این خصوص موید این مطلب است. (اسفندیاری، 1388: 90)

3- اجماع

از دیدگاه اخباریان اجماع به مفهوم اصولی آن حجت نیست استرآبادی اجماع را معلوم البطان دانسته (استرآبادی، همان، 134) و مرحوم فیض کاشانی حجیت اجماع را به علمای اهل سنت نسبت می‌دهد. (فیض کاشانی، 1365، 9)

4- عقل

حجیت و یا عدم حجیت عقل در استنباط احکام شرعی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین محور اختلاف در اندیشه اصولی و اخباری است که پیامدهای مختلفی را به دنبال دارد. اگرچه همه علمای اخباری درباره عقل و کاشفیت آن از واقع و نیز طریقیّت آن برای حکم شرعی، یکسان سخن نگفته‌اند اما محور مشترک اعتقادی در این زمینه عدم توانایی عقل در استنباط احکام شرعی است (یوسفیان، 1383: 186) زیرا در نظر آنان نتیجه بکارگیری عقل و استدلال‌های عقلانی چیزی جز وهم و خیال و پندار نیست. شیخ حرعاملی پس از بررسی روایات با مضمون نکوش عقل می‌نویسد: هیچ یک از روایاتی که درباره عقل وارد شده است به تنهایی دلالتی بر حجیت آن در هیچ یک از احکام شرعی ندارد؛ یعنی عقل در باب وجوب، استحباب، کراهت، حرمت، اباحت، شرطیت، سببیت،

مانعیت و امثال آن، حجیت ندارد. (حرعاملی، 1403، 354)

5- مخالفت با اجتهاد

یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی اندیشه اخباری، مخالفت شدید با روش اجتهاد در استنباط احکام شرعی است تا جایی که اجتهاد را حرام اعلام می‌کنند:

به اعتقاد قدامی اصحاب ما مکتب اخباری همانند صدوق و پدرش ابن بابویه و کلینی، هم چنان که در کتبشان ذکر کرده اند اجتهاد و تقلید حرام بوده و رجوع و تمسک به روایات ائمه اطهار واجب بوده است (استرآبادی، همان، 40)

6- احتیاط‌گرایی

اخباریان مسائل را به حلال بین و حرام بین تقسیم بندی می‌کردند و درباره مسائلی که نص صریح درباره آن وجود نداشت قائل به احتیاط و توقف می‌شدند به علاوه اصل الاباحه مورد نظر اصولیان را نمی‌پذیرند و گاه در آن اغراق نیز می‌کنند. (انصاری، 1391:77)

بنابراین مهمترین ویژگی اخباریان که منجر به شکل‌گیری این جریان فکری شده را باید در محدود کردن منابع استنباط احکام شرعی به احادیث دانست. از این رو حدیث جایگاهی بس مهم در نزد اخباریان دارد. همچنین اخباریان به دلیل اعتقاد به عدم حجیت عقل در استنباط احکام شرعی از این منبع در فهم احادیث استفاده نمی‌کنند بنابراین نتیجه این رویکرد نتایج مختلفی را به دنبال خواهد داشت.

پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری‌گری

در این قسمت پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری‌گری مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد. در این نوشتار ابتدا پیامدهای سیاسی در حوزه اندیشه سیاسی و سپس این پیامدها در حیطه عمل سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست

اساس گفتمان انقلاب اسلامی بر رابطه دین و سیاست استوار است. در این گفتمان تنها به ابعاد عبادی و فردی دین اکتفا نشده و علاوه بر توحید فردی، در صدد ایجاد جامعه توحیدی در ابعاد گوناگون برای بشریت است. لذا برای تمام ابعاد اجتماعی نسخه هدایت و دستورالعمل و قانون ارائه

می‌کند. از این رو این گفتمان، حکومت را جزء دین و سیاست را عین دیانت دانسته و وظیفه دینداران را تلاش جدی در عرصه سیاسی می‌داند؛ چرا که تحقق قسط و عدالت اجتماعی را مهمترین هدف سیاسی، اجتماعی دین و اسلام تلقی می‌کند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید:

والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد. (امام خمینی رحمته الله علیه: 1389:270)

با بازتولید اندیشه اخباری‌گری اندیشه جدایی دین از سیاست ترویج خواهد شد. اگرچه در خصوص رابطه دین و سیاست، تقریر مشخص و مستقلى در میان اخباریان وجود ندارد اما می‌توان گفت اخباریان به دلیل نص‌گرایی با تأکید بر حدیث و اعتقاد به عدم حجیت عقل، دین را به امور فردی محدود می‌کنند. القای ذاتی بودن نسبت میان فقه و مسائل فردی و تباین آن با مباحث سیاسی و اجتماعی به ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست منجر می‌شود. این اندیشه به دلایل مختلف مورد پذیرش جریان اخباری‌گری قرار می‌گیرد. بنابراین علل جدایی دین از سیاست در نگرش اخباریان را می‌توان عوامل ذیل بیان نمود:

الف. پیامد عدم حجیت عقل در استنباط احکام شرعی

به نظر می‌رسد یکی از علل اصلی عدم ارتباط بین دین و سیاست «عدم حجیت عقل» در استنباط احکام شرعی در میان علمای اخباری است. با توجه به اینکه نتیجه تابع اخس مقدمات است و اخباریان از منابع اندکی برای دستیابی به حکم شرعی بهره مند هستند؛ بنابراین نمی‌توانند از همه منابع استفاده کنند. از سوی دیگر بیشتر مباحث سیاسی در گروه نقش و حجیت عقل است و با مخالفت با عقل قادر نخواهند بود در حوزه نظام سیاسی و ارتباط دین و سیاست ورود پیدا کرده و به نیازهای جامعه در این خصوص پاسخ دهند. (ایزدهی، 1392: 242) عقل از ابزارهای اساسی زندگی سیاسی شیعه است؛ بسیاری از امور «مالانص فیه» نیز که در شریعت مسکوت گذاشته شده است با توجه به حکمتی که دارد و بنابه رضایت شارع بر عهده عقل نهاده شده است. (فیرحی، 1378: 286)

مقصود از عقل در دیدگاه شیعه عقل به مفهوم بدیهیات عقلی یا مستقلات عقلیه است که با قاعده «ملازمه عقل و شرع» شناخته می‌شود عقل در چنین مواردی حکم قطعی و یقینی صادر می‌کند و احکام آن حجیت و اعتبار دارند بر این اساس هرگاه قطع از دلیل عقلی حاصل شود ممکن نیست با آن دلیل نقلی معارضه کند و اگر در ظاهر این معارضه به دست آید ناگزیر باید آن دلیل نقلی

را اگر نمی‌توان کنار زد تاویل کرد. (خراسانی، 1392: 29)

بی تردید فهم گفتمان انقلاب اسلامی و مکتب اصولی در فقه شیعه با به کارگیری عقل میسر است عقل‌گرایی در فقه سیاسی شیعه بیشترین تاثیر را دارد. مرجعیت کتاب و سنت و فقه سیاسی شیعه از یک سو و ضرورت تامل عقلی در فهم مدلول ادله و نصوص قرآنی و سنت از سوی دیگر و نیز شکل‌گیری نیازهای جدید بر اثر تحولات سیاسی اجتماعی در دوران حاضر اهمیت عقل را به ویژه از حیث روش فهم آشکار می‌سازد. این ویژگی امکان سریان فقه به عرصه سیاست را فراهم ساخته بر اساس آن فقهای معاصر به استنباط احکام سیاسی مورد نیاز زندگی و نیز نظریه پردازی در حوزه سیاست کنونی می‌پردازند. (میراحمدی و دیگران، 1389: 127)

از سوی دیگر محوری‌ترین دلیل برای اثبات ارتباط بین «دین و سیاست» در گفتمان انقلاب اسلامی دلایل و مستندات «عقلی» است حضرت امام علیه السلام نیز با استناد به دلایل عقلی میان دین و سیاست ارتباط برقرار کردند ایشان با استناد به دلایل عقلی نظیر، جامعیت دین اسلام، یکسان بودن هدف دین و هدف سیاست و ماهیت سیاسی بسیاری از احکام اسلام، ارتباط دین و سیاست را به اثبات رساندند.

با بازتولید اندیشه اخباری‌گری و با توجه به نگرشی که اخباریان نسبت به عقل و حجیت آن در استنباط احکام دارند تمامی استدلال‌های عقلی برای اثبات ارتباط دین و سیاست نامعتبر خواهد شد و فقدان احادیثی که نص صریح به ارتباط دین و سیاست وجود ندارد عامل مضاعفی در نفی این رابطه خواهد بود.

ب. ثمره مولفه احتیاط‌گرایی اخباریان

یکی از ویژگی‌های اصلی اخباریان احتیاط‌گرایی و توقف در اموری است که نص صریح در رابطه با آن در احادیث وارد نشده است. همانطور که بیان شد اشیاء و امور زندگی در نزد اخباری‌ها تقسیم سه گانه‌ای دارد آنان اشیاء را به حلال بین حرام بین و شبهه‌های واقع بین آن دو تقسیم می‌کنند و درخصوص قسم سوم نوعاً به توقف و احتیاط قائل هستند که نتیجه این اندیشه گسترش دامنه محرمات و محدود کردن حوزه مباحات و آزادی عمل در زندگی شیعه است. (فیرحی، همان: 274) به همین سبب اخباری‌ها با اتخاذ روش احتیاط‌گرایی در مسائل مختلف از گشودن بسیاری از راه‌ها و فضاهای جدید در حوزه فقه عاجزند و تنها می‌توانند به احتیاط پناه ببرند. (ایزدهی، همان: 243)

یکی از موضوعاتی که اخباریان روش احتیاطی را نسبت به آن اتخاذ می‌کنند توقف و احتیاط در طرح مباحثی در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی دین است. از اخباریان مخصوصاً اخباریان افراطی

با آنکه در زمان صفویه نظریات مختلفی نسبت به همکاری با حکومت صفویه از سوی علمای مختلف مطرح شد هیچ گاه از سوی اندیشمندان این جریان، نظریه و یا عمل سیاسی مطرح نگردید. برای عبور از چارچوب تنگ و محدود دین، کنارنهادن احتیاط، گذر از ظاهر احادیث و استفاده از دلایل عقلی و نقلی برای پی بردن به عمق و اهداف دین ضروری است این در حالی است که اخباریان تمامی ویژگی‌هایی که موجب نگرش حداقلی به دین می‌شود را یکجا دارند! ویژگی احتیاط‌گرایی اخباریان موجب نگرش حداقلی آنها به دین می‌شود که ثمره آن فردی شدن دین و عدم ورود به مباحث اجتماعی و سیاسی دین خواهد بود.

ج. تحجرگرایی و جمود در دین

یکی دیگر از شواهد جدایی دین از سیاست در نگرش اخباریان وجود ویژگی «تحجرگرایی» در میان آنان است. محدودیت منابع در نزد اخباریان، ظاهرگرایی و مهمتر از همه مخالفت با عقل در استنباط احکام، اخباریان را در زمره متحجرین قرار می‌دهد؛ امری که بسیاری از نویسندگان و متفکران به آن اذعان کرده‌اند. آیت الله جوادی آملی نیز نوع نگاه اخباریان به دین را متحجرانه می‌داند ایشان در این باره می‌نویسند:

اخباریان از روزنه زبون تحجر و جمود و ثقبه کم نور خمود به دین می‌نگرند. (جوادی آملی، 1392: 22)

همچنین شهید مطهری نیز خوارج و اخباریان را به لحاظ فکری دو جریان متحجر شبیه به هم معرفی می‌کند:

جریان اخباری‌گری و خوارج دو جریان فکری هستند که در اسلام رخ داد و هر دو جریان جمود آمیز بودند والبته خیلی شبیه به یکدیگر. روح جریان اخباری‌گری را جمود تشکیل می‌دهد از نظر آنان اجتهاد که اظهار نظر، تفکر و تجربه و تحلیل است و به عبارتی دخالت دادن عقل در دین است درست نیست. (مطهری، 1375: 111)

بنابراین می‌توان اندیشه اخباری‌گری را اندیشه تحجر و جمود دانست. با بیان مشابهت جریان اخباری و جریان متحجرین از یک سو و با توجه به اینکه یکی از مهمترین مولفه‌های فکری متحجرین، باور به جدایی دین از سیاست است می‌توان یکی از ویژگی‌های اخباریان را ترویج جدایی دین از سیاست دانست. مهمترین عامل جمود فکری در نزد متحجرین نص‌گرایی و عدم استفاده از

عقل در کشف احکام دینی است که اخباریان نیز حائز این ویژگی هستند.

یکی دیگر از دلایلی که به ترویج اندیشه جدایی دین در نزد متحجرین دامن می‌زند این است که دین به دلیل تلقی روحانی مآبانه و معنویت نهفته در ذاتش با سیاست و حکومت که مقوله‌ای دنیایی و پر از دغل بازی است سازگاری ندارد با این نگرش، طبیعی است آنان هیچ گاه تعامل و همکاری میان این دو عنصر را نمی‌پذیرند بلکه بر این باورند که اهتمام دین تنها معطوف به این نکته است که به خصوصیات اخلاقی و روحانی عبادی بشر پرداخته و مسائل اجتماعی و سیاسی را به دنیاداران و اصحاب سیاست واگذارند. (ایزدهی، همان: 196)

بر همین اساس در گفتمان انقلاب اسلامی، امام خمینی اندیشه‌ای که به ظاهر با «طرفداری از قداست اسلام» حکومت و سیاست را خلاف مقصد بزرگ انبیا می‌داند و «دخاله در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق» می‌شمارد را خطری بزرگ برای انقلاب معرفی می‌کند که می‌تواند منجر به مایوس کردن مردم شود. (امام خمینی، همان، ج 21: 405)

2. ترویج اندیشه تعطیلی حکومت اسلامی در عصر غیبت

یکی از مهمترین موضوعی که ضروری است در بازتولید اندیشه اخباری مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری بر اندیشه تشکیل حکومت اسلامی است. یکی از مهمترین مولفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی ضرورت تشکیل حکومت است که این موضوع سرمنشا شکل‌گیری سایر مباحث سیاسی مانند ولایت فقیه را فراهم کرد.

بازتولید اندیشه اخباری‌گری به «ترویج اندیشه تعطیلی حکومت اسلامی در عصر غیبت» منجر خواهد شد که این امر می‌تواند مهمترین مولفه گفتمان انقلاب اسلامی در ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت را تهدید نماید. در خصوص این موضوع می‌توان گفت اگرچه اخباریون نظریه‌ای ثابت و مشخص در قالب «نظریه تعطیل حکومت» عرضه نکرده‌اند اما گویا آنان با عنایت به نوع منابع و شیوه استنباط و نوع نگاهشان به دین چاره و گریزی از تن دادن به تعطیل حکومت اسلامی نداشتند. (ایزدهی، همان: 234). در این میان سه عامل مهم در اثبات عدم تشکیل حکومت اسلامی در اندیشه اخباری وجود دارد:

الف. حدیث محوری

ویژگی حدیث محوری اخباریان موجب می‌شود که در خصوص تشکیل حکومت اسلامی، معتقد به تعطیلی حکومت اسلامی در عصر غیبت باشند زیرا در باب جهاد روایاتی وجود دارد که مقتضی

تعطیل هر حکومت دینی در عصر غیبت است و حاکمان آن طاغوت شمرده شده است (کل رایه ترفع قبل قیام الحجه فصاحبها طاغوت) (حرعاملی، 1409، ج 15:52) شیخ حر عاملی که یکی از علمای اخباری است هفده روایت تحت عنوان باب حکم الخروج بالسیف قبل قیام القائم و محدث نوری نیز چهارده روایت تحت همین عنوان جمع آوری کرده است که همه اینها مفید این معنا هستند که حکومت در زمان غیبت امام زمان عج حرام است و صاحبان حکومت از مصادیق ظلمه و طاغوت محسوب می‌شود. (فراستی، 1389: 60) مطابق این روایات بسیاری از احکام سیاسی اجتماعی اسلام مختص زمان حضور امام عصر عج است.

این روایات حداقل در برابر روایات و ادله مشروعیت ولایت فقیه قرار گرفته‌اند و کسانی که دلیلی برای ولایت فقیه نیافته‌اند یا نسبت به دلالت ادله موجود، تشکیک کرده‌اند خود را با روایات فوق مواجه می‌دیدند که آنها را از دخالت در مقولات حکومتی باز می‌داشت دست کم این روایات آنها را به مقولات حکومت دینی در عصر غیبت اگر نگوییم بدین، بی‌اعتنا می‌کرد.

بنابراین با توجه به رویکرد اخباریان، در قبول مطلق همه روایاتی که در «مجامع روایی» وجود دارد و همچنین با توجه به بی‌اعتقادی آنان به اجتهاد در این روایات و تعارض بسیاری از این روایات با یکدیگر، آنان را در تنگنای شدید فهم شریعت و احکام الهی قرار می‌دهد زیرا همانطور که بیان شد آنان در مواجهه با روایاتی که به ظاهر تشکیل هر حکومتی در عصر غیبت را بر نمی‌تابند و آن را از مصادیق طاغوت قرار می‌دهد چاره‌ای جز پذیرش محتوی آن را ندارد و روایات باب ولایت فقیه و مقابله با ظالمان، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن را در نقطه مقابل آن روایات نمی‌دانند و ناچار خواهند بود آن روایات را به توجیهاتی در حوزه امور شخصی حمل کنند. (ایزدهی، همان: 242)

ب. اعتقاد به تشکیل حکومت توسط امام معصوم (ع)

غالب اخباریان به خصوص اخباریان افراطی با توجه به نقش محوری روایات در استنباط احکام شرعی و با استناد به روایات معصومین ع حق حاکمیت سیاسی را برعهده امام معصوم می‌دانستند و حاکمیت هر حاکمی غیر از معصومین را نامشروع تلقی میکردند از این روی از نظر آنان نباید در عصر غیبت به هیچ وجه «علم حکومت» را برافراشت و در صورت وقوع چنین حکومتی فاقد مشروعیت خواهد بود مطابق این معنا نیابت فقیهان از جانب امام معصوم ع نیز از سوی آنان تلقی به قبول نشده است و از این روی آنان حکومت دینی در عصر غیبت بلکه ولایت فقیه در امور محدود را بر نمی‌تابند. (فراستی، همان، ج 1: 59)

از سوی دیگر به دلیل مشابهت فکری اخباریان با متحجرین باید گفت همانند متحجرین،

اخباریان نیز تشکیل حکومت را از وظایف امام معصوم می‌دانند زیرا یکی دیگر از ویژگی‌های متحجرین و مقدس مآبها اعتقاد به این اندیشه است که اساسا در دوران غیبت امام عصر رسالت و وظیفه‌ای به نام ایجاد حکومت اسلامی بر دوش مسلمانان نیست و این وظیفه جزو وظایف اختصاصی امام معصوم است که با حضور امام معصوم محقق خواهد شد اینان تأکید داشتند که قبل از ظهور آن حضرت نه تنها وظیفه‌ای بر دوش ما نیست بلکه با استناد به برخی از احادیث قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) اساسا هر قیامی منجر به شکست خواهد شد. پیام اصلی این تفکر در جامعه این بود که مردم در صحنه سیاسی و در فکر ایجاد حکومت و نظام اسلامی نباشند در واقع این تفکر می‌گوید باید دنیا را به دنیاداران واگذار نمود و دینداران فقط به فکر آخرت باشند. (روحانی، 1388، ج 1: 405)

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه ویژه اهل بیت (ع) در اندیشه اخباریان و نیز ویژگی تبحری که اخباریان دارند نمی‌توان اندیشه اعتقاد به تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت را در نگرش آنان اثبات کرد.

ج. عدم حجیت عقل در تشکیل حکومت

همانطور که بیان شد به طور کلی در نگاه اخباریان عقل از هیچ حجیتی در استنباط احکام شرعی برخوردار نیست و این موضوع پیامدهای بسیار مهمی را در فقه سیاسی و تشکیل حکومت برجای می‌گذارد چرا که قوام فقه سیاسی به نقش عقل در استنباط احکام است. (سیدباقری، 1388: 159) با عدم حجیت عقل، استنباط و استدلال‌های عقلی بر تشکیل حکومت دشوار و یا حتی غیر ممکن می‌گردد این در حالی است که در گفتمان انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) بیش از هر چیز برای گذر از سلطنت و رسیدن به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی از استدلال‌های عقلی استفاده می‌کند و بعد روایات را صرفا به عنوان «موید» ذکر می‌کند امام ره به مسئله ولایت فقیه از زاویه علم کلام می‌نگرد دانشی که اساس استدلال و تبیین‌های خویش را بر عقل می‌نهد. ایشان در کتاب البیع، بحث را از امامت آغاز کرده و سپس تأکید می‌نماید هر آنچه که بر امامت امام معصوم دلالت دارد عینا بر لزوم تشکیل حکومت در دوران غیبت نیز دلالت می‌کند. (امام خمینی، 1388، ج 2: 619)

در مسئله ولایت فقیه از نظر عقلی این امر اساسی مطرح است که در کتاب و سنت احکام سیاسی، جزایی و حقوقی قابل ملاحظه‌ای وجود دارد طبعاً اجراء تحقق خارجی و عملیاتی کردن آنها در حکومت دینی تجلی می‌یابد معقول‌ترین روش برای فهم درست از آن دستورها و اجرای مناسب

آنها از کسی است که به مبانی و مسائل و زوایای گوناگون احکام دینی آگاه است و آن فرد می‌تواند فقیه عادل و آگاه باشد.

در گفتمان انقلاب اسلامی، امام خمینی ره قبل از بیان استدلال‌های عقلی به بدیهی بودن اثبات جایگاه ولایت فقیه اشاره دارد و در کتاب ولایت فقیه تصریح می‌کند تصور ولایت فقیه موجب تصدیق آن می‌شود. (همو، 1373: 4) ایشان سپس استدلال خود را بر این امر عقلی بنا می‌کند که احکام خداوند در امور مالی و سیاسی و حقوقی نسخ نمی‌شود بلکه تا روز قیامت ماندگارند و نفس این جاودانگی خود دلیل بر لزوم تشکیل حکومت و ولایت است که ضامن حفظ و حاکمیت قانون الهی می‌شود و اجرای این قانون ممکن نیست مگر با حکومت تا هرج و مرج پدید نیاید.

امام خمینی ره سپس به لزوم تشکیل حکومت در دوران غیبت و شرایط حاکم اسلامی اشاره می‌کند و تأکید دارد که والی در این دوران باید دارای دو شرط علم به قانون و عدالت باشد و این دو شرط در فقیه عادل وجود دارد پس شایستگی اعمال ولایت مسلمین برای او ثابت و محرز است. (همو، 1388، ج 2: 619) بنابراین حضرت امام از استدلال‌های مختلف عقلی برای اثبات تشکیل حکومت توسط فقیه استفاده کردند.

در خصوص اینکه علامه مجلسی و فیض کاشانی خلاف آنچه در این نوشتار بیان شد اقدامات سیاسی انجام داده و یا نظریات سیاسی داشته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

اولاً اینکه نمی‌توان هرگونه کنش و عمل سیاسی را به معنای اعتقاد ناشی از مبنای نظری دانست به عبارت دیگر الزاماً این گونه نیست که میان نظر و عمل همسانی، سنخیت و سازگاری وجود داشته باشد. همچنین اقتضات زمان و مکان را می‌توان محرکی قوی در عمل کردن بر خلاف مبانی نظری محسوب کرد. در دوران علامه مجلسی پس از سالیان طولانی حکومت صفوی آنهم بر اساس عقاید شیعی بر جامعه ایران حاکم شده بود که زمینه و انگیزه ورود در دستگاه سیاسی را موجه می‌کرد. بنابراین علما در این عصر بر این اعتقاد بودند که حفظ دولت صفویه در آن شرایط به مصلحت شیعه است از این رو آنان بهترین راه را انتخاب کردند و با درک این که می‌توان با استفاده از این فرصت تاریخی پایگاهی امن و مطمئن برای تشیع در جهان آنروز ایجاد کرد به همکاری و پذیرش مناصبی چون شیخ الاسلامی پرداختند. (قوچانی، 1395: 35)

ثانیاً: پذیرش مناصب سیاسی از سوی برخی علمای معتدل اخباری همچون علامه مجلسی بوده است بنابراین دسته افراطی این جریان هیچگونه دخالت و مشارکتی در امر سیاسی نداشته‌اند و پذیرش مناصب سیاسی توسط علمای اخباری معتدل را نیز می‌توان به عنوان موید مدعی این نوشتار

قلمداد کرد بدین صورت که بین میزان موضع‌گیری نسبت به استفاده از عقل در استنباط احکام شرعی و مشارکت در امور سیاسی رابطه‌ای مستقیم برقرار است. علامه مجلسی و فیض کاشانی از علمای معتدل اخباری هستند که هر دو نسبت به عقل مواضع ملایم تری گرفته‌اند بنابراین در نهایت اقدامات و نظریات سیاسی این دسته از علمای اخباری را می‌توان به پذیرش جایگاه عقل و یا حداقل اتخاذ موضع ملایم تر از سوی آنان نسبت به عقل محسوب کرد.

3. تهدید جایگاه فقیه، ولایت و اختیارات او

پس از برقراری ارتباط میان دین و سیاست توسط گفتمان انقلاب اسلامی یکی از حیاتی‌ترین مولفه‌های این گفتمان، بحث ولایت فقیه است. ولی فقیه و مجتهد جامع الشرایط در این گفتمان بر اساس جایگاه ویژه و برتری بر سایر افراد، حق تشکیل حکومت و اعمال ولایت از این طریق را دارد. عامل اصلی که ولی فقیه را واجد چنین جایگاهی نموده است علاوه بر عدالت او، برخورداری او از وصف اجتهاد است.

بنابراین یکی از مهمترین ارکان گفتمان انقلاب اسلامی جایگاه خاص سیاسی مجتهد جامع الشرایط، برتری وی بر سایر افراد است. این برتری موجب برخورداری او از صلاحیت ولایت بر سایر مردم می‌گردد. اصل ولایت صلاحیت لازم را برای مجتهد جهت رهبری سیاسی و تشکیل حکومت فراهم می‌کند همچنین بواسطه آن مجتهد صلاحیت لازم را جهت صدور فتاوا و احکام سیاسی کسب می‌کند.

به همین سبب یکی از مهمترین موضوعی که می‌بایست در خصوص پیامدهای بازتولید اندیشه اخباری‌گری بر جایگاه ولی فقیه، مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گیرد تهدید و به خطر افتادن جایگاه اجتهاد در بازتولید اندیشه اخباری است.

اخباریان به ویژه اخباریان افراطی با تأکید بر استفاده مستقیم از روایات و عدم حجیت برهان عقلی، رابطه میان مجتهد و مقلد که در اندیشه اصولیون بر آن تأکید می‌شود را به رابطه «محدث و مستمع» تغییر دادند. فقیه در این دیدگاه فاقد حق استنباط احکام شرعی به وسیله اصول مستفاد از کتاب، سنت و عقل است و برای عالم اخباری تنها حق ترجمه و تشریح روایات را شدند. با این رویکرد مردم پس از شنیدن معانی احادیث به صورت مستقل عمل می‌کنند. از این‌رو ارتباط میان فقه و مردم به گونه پیوند فکری و اجتهادی و ولایت نیست و تنها رابطه «نقلی و حسی» میان آن دو برقرار است. (جوادی آملی، 1375: 233) لذا در حوزه نظام اجتماعی و یا سیاسی هیچگاه ولایت و

سرپرستی فقیه در امور مردم حتی در قالب حسبه پذیرفته نخواهد شد و الزامی برای تمکین از توصیه‌های عالمان برای مردم وجود ندارد.

اخباریان باتوجه به دیدگاهی که درباره جایگاه و نقش امام معصوم علیه السلام در زندگی سیاسی دارند راه اجتهاد و استدلال عقلی را برای همیشه مسدود می‌کنند به نظر اخباریان اولاً اجتهاد از امور ظنی است و لا یعنی الظن من الحق شیئا و ثانياً به این لحاظ که اخبار ائمه در سطح عقول بسیط عامه است پیش فرض‌ها و چارچوب‌های ذهنی-نظری مجتهدین ممکن است موجب دریافت نادرست معانی اخبار باشد بدین سان نه تنها اجتهاد و مجتهدین جایگاهی در زندگی سیاسی شیعه ندارند. (فیرحی، همان: 272) بلکه چون عقل و درک بسیط عامه، بیش از عالمان آمادگی فهم درست اخبار را دارد در این خصوص حتی عالمان مقلد عامه هستند و هرگونه اجتهادی حرام است زیرا همه بحران‌ها و جنگ‌های جهان اسلام از عوارض منفی این اجتهاد ظنی است استرآبادی می‌نویسد نزد قدیمیان اصحاب ما اخباریان اعم از صدوقین و کلینی به حرمت اجتهاد و تقلید و وجوب تمسک به روایات عترت طاهرین تصریح شدن و... آنان هیچ مدرکی را جز احادیث ائمه معتبر نمی‌دانند. (استرآبادی، همان: 40) به نظر استرآبادی اجتهاد تخریب دین است و آنچه در روایات شیعه ناظر به مراجعه مردم به علماست صرفاً در قلمرو نقل اخبار است و نه اطاعت از اجتهادات ظنی که از ظواهر قرآن یا ادله عقلی حاصل شده‌اند. (همان: 153)

بنابراین اخباریان با اجتهاد و تقسیم مردم به مجتهد و مقلد مخالفند و همه شیعیان را اعم از عالم و عامی مقلد معصوم علیه السلام می‌دانند این دیدگاه تاثیر قاطعی در اندیشه و عمل سیاسی شیعه در دوره غیبت برجای گذاشته است اخباری هیچ گونه موقعیت ممتازی برای عالمیان دینی در دوره غیبت قائل نیستند و وظیفه عالمان را صرفاً در روایت حدیث محدود می‌کنند که امتیازی در حد نساخ و کاتب حدیث است. (فیرحی، همان: 277)

اگرچه اخباریان معتدل شکل خاصی از اجتهاد را می‌پذیرند اما اجتهاد مورد نظر آنها با اجتهاد علمای اصول تفاوت اساسی دارد و میان این دو اشتراک لفظی وجود دارد و تفاوت ذاتی و جوهری با اجتهاد مکتب اصولی دارد اگر این را بپذیریم که جوهره و ذات اجتهاد را عقل تشکیل می‌دهد که به مدد آن استنباط و اجتهاد از منابع سه گانه دیگر صورت می‌گیرد این نکته نیز پذیرفته می‌شود که اخباریان معتدل، اجتهاد خاصی را مطرح نمی‌کنند آنان با طرد و رفض عقل، اجتهادی خالی از عقل را که جوهره اجتهاد اصولی است مطرح می‌کنند که دیگر نمی‌توان نام آن را اجتهاد گذاشت. (آل غفور، 1386: 199)

اما گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر این است که در عصر غیبت اجتهاد مجتهدان برای کشف و استنباط احکام شرعی مشروع است و قرآن کریم، روایات، عقل و اجماع را به عنوان منابع برای اجتهاد معرفی می‌کنند. بنابراین در این گفتمان با تکیه بر اصل اجتهاد جامعه شیعه را به عنوان مکلف نوعی به دو قسم تقسیم می‌کند: عالم قادر به فهم احکام و عامی عاجز از شناخت احکام هم چنان که بر اولی لازم است که اجتهاد نموده و مسئولیت زندگی عمومی شیعه را به عهده بگیرد بر عامه شیعه نیز واجب است که در همه موارد و از جمله در سیاست از مجتهدان تقلید نماید. (همان: 295)

بدین ترتیب دو مفهوم اجتهاد و تقلید در مرکز اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی قرار گرفته است.

در این دیدگاه افراد جامعه یا مجتهدند یا مقلد و کسانی که توانایی استنباط احکام شرعی را ندارند باید از فقیه جامعه شرایط تقلید نماید به همین علت، جایگاه مجتهد در زندگی سیاسی اجتماعی شیعیان در دوره غیبت همان جایگاه امام معصوم (ع) در دوران حضور بوده و از این حیث اجتهاد را می‌توان استمرار کارویژه‌های امامت در شرایط متفاوت با دوران معصوم دانست. اندیشمندان اصولی با چنین استدلالی علم فقه را همانند نبوت و امامت از جمله عوامل و اسباب ایجاد کننده ولایت در امور عامه جامعه اسلامی دانسته، ادله و حدود اختیارات عالمان دین را موضوع پژوهش‌های پردامنه در فقه و فقه سیاسی قرار می‌دهند.

جایگاه ویژه مجتهدین در جامعه شیعی مرهون پیروزی علمای اصولی بر اخباریان بود اگر پیروزی قطعی اصول‌گرایان به رهبری آیت الله وحید بهبهانی نبود شاید دستگاه اجتهادی شیعه و مقوله مرجعیت به معنای امروزی و کارکردهای تاریخی آنها در دو قرن اخیر ظهور نمی‌کرد چرا که ظهور مجتهدان قدرتمند حاصل این تغییر روش شناختی فقهی بود و چنین اقتداری را در تاریخ معاصر ایران کاملاً مشهود می‌توان بازشناسی کرد و اساساً منازعه بین بخش قابل توجهی از علمای شیعه و سلاطین قاجاریه و دوره‌های پس از آن به میزان قابل توجهی به لحاظ ملازمه منطقی نظریه سیاسی شیعه که با تفوق اصولیان تقویت یافته بود قابل توضیح است.

این تفوق موجب شد که نقش رهبری مجتهدان به صورت روشنی و استواری بین مردم نهادینه شود و بدین ترتیب روش شناسی فقهی مکتب وحید بهبهانی بر طیف وسیعی از علمای شیعه اثر جدی گذاشت و این مکتب شاگردان مبرزی مانند بحر العلوم، کاشف الغطا و میرزای قمی و دیگران را تربیت کرد که بنیاد اجتهاد نوین شیعه را استوار کردند.

مخالفت با اصل اجتهاد از سوی اخباریان دو پیامد سیاسی خواهد داشت:

الف. عدم اعتبار ولایت سیاسی فقیه

یکی از عرصه‌هایی که بازتولید اخباری‌گری می‌تواند تاثیر و پیامدهای قابل ملاحظه‌ای داشته باشد جایگاه ولی‌فقیه و اختیارات آن است. این پیامد محصول موضع‌گیری و تحریم اجتهاد از سوی اخباریان است. آنها با تأکید بر جایگاه ویژه امامان معصوم (علیهم‌السلام) تنها اهل بیت (علیهم‌السلام) را برتر از سایر افراد دانسته و معتقدند در میان شیعیان هیچ‌گونه برتری و موقعیت ممتازی برای عالمان دینی در دوران غیبت وجود ندارد. از سوی دیگر بر اساس مبانی نظری و معرفتی اخباری‌گری در عقل آدمیان تفاوتی نیست چرا که عقل آنها تماما در دایره‌ای به نام عقل ناقصه یکسان است و طبیعتا در این عقل میان افراد طبقه‌بندی خاصی صورت نمی‌گیرد و تنها نقطه نظر متمایز عالم اخباری با عامه مردم آن است که وظیفه و شان عالمان دین در دوران غیبت جمع‌آوری احادیث در مجموعه‌هایی چون من لایحضره الفقیه، اصول کافی وسائل البشعه و بحارالانوار است.

استرآبادی ضمن اعتقاد به تقسیم عقول به کامله و ناقصه نکته‌ای را توضیح می‌دهد که دقیقا برخلاف ادعای عالمان دینی اصولی در خصوص امتیاز ویژه برای مجتهدان و انحصار فهم احکام ائمه در آنان است وی معتقد است اتفاقا تنها گروهی از مردم که توان فهم احادیث را از دست می‌دهند گروه مجتهدان هستند چرا که اصولا روایات صادره از صاحبان عقول کامله یعنی ائمه اطهار در حد و میزان عقول ناقصه یا عامه مردم است اما مجتهدان اصولی با فراگیری آن چه اجتهاد می‌نامند در عقول ناقصه خود اختلال ایجاد می‌کنند به گونه‌ای که دیگر توان فهم احادیث و احکام را از دست می‌دهند و بر اساس این مدعاست که به گونه‌ای که دیگر توان فهم احادیث و احکام را از دست می‌دهند و مردم در این زمینه از امتیاز ویژه‌ای در مقایسه با مجتهدان و اصحاب مکتب اصولی برخوردار می‌شوند.

بنابراین در این نگرش عالم اخباری نمی‌تواند ادعایی بر برتری و ولایت بر عامه داشته باشد و فهم او در مسائل و احکام سیاسی همچون دیگر افراد یکسان بوده و کارکرد وی در سیاست و به لحاظ جایگاه سیاسی همچون عامه افراد که از عقل ناقصه برخوردارند همانند فهم احکام دین است.

مخالفت با جایگاه ولی فقیه در نوشته‌های برخی از علمای اخباری مشهود است برای نمونه شیخ یوسف بحرانی مشهور به صاحب حدائق در خصوص ولایت فقیه با وجود آنکه از اخباریان معتدل است صریحا به مخالفت با نظریه ولایت فقیه پرداخته و در کتاب الدرر النجفه در ذیل برخی از روایات مورد استناد در ولایت فقیه مانند مقبوله عمر بن حنظله مشهور ابی خدیجه و توقیع شریف و روایت اللهم الرحم خلفایی تنها دلالت آنها بر نیابت فقیهان در رفع مرافعه و خصومات و نیابت در افتا را

پذیرفته و نیابت در امور حسبه یا نیابت در پرداخت سهم امام را انکار کرده است دیدگاه وی در خصوص ولایت بر اموال غیب و قصر و مانند آن به امام معصوم ع یا فقیه جامع الشرایط وجود ندارد و ولایت در امور حسبه به همه مومنان تعمیم می‌یابد. (بحرانی، 1405، ج 12: 470)

علامه مجلسی نیز دایره نفوذ فقها را در امور حسبه می‌دید او مستنداتی مثل مقبوله عمر بن حنظله و روایت ابی خدیجه را چیزی فراتر از قضاوت، فتوادادن و رسیدگی به امور حسبه نمی‌دانست. (مجلسی، 1353، ج 1: 149)

این در حالی است که یکی از اصول مهم گفتمان انقلاب اسلامی تأکید بر جایگاه سیاسی ویژه عالم و مجتهد نسبت به سایر افراد (مقلدین) است. مجتهد علاوه بر استنباط و استخراج احکام شرعی با استفاده از منابع چهارگانه، با استفاده از جایگاه سیاسی که اندیشه اصولی برای او فراهم ساخته است و او را در مقام مرجع تقلید قرار داده و مردم را به تقلید از او الزام کرده است صلاحیت لازم برای صدور احکام و فتاوی سیاسی را برای او فراهم ساخته است.

احیای اجتهاد و تقلید محصول شکست مکتب اخباری و پیروزی مکتب اصولی در فقه امامیه است که نتایج اجتماعی و سیاسی خاصی را پدید آورد این رویداد شئون سیاسی عالم دینی را به نحو گسترده‌ای به ارمغان آورد این گسترش نهایتاً به ولایت سیاسی فقیه انجامید. آیت الله جوادی آملی نیز شکست اخباریان را موجب پذیرفته شدن اصل ولایت فقیه می‌داند:

با برچیده شدن بساط اخباریان ولایت فقیه تقریباً اصلی پذیرفتنی در نزد فقیهان شد و تفاوت تنها در مفهوم ولایت و گستره آن است. (جوادی آملی، 1375: 50)

مخالفت با اجتهاد، ولایت سیاسی فقیهان مجتهد را نیز تحت تاثیر خود قرار می‌دهد چرا که ولایت سیاسی آخرین مرحله آشکارسازی و نقطه اوج نظریه اجتهاد است که بر تمام چیزها و امور زندگی شیعیان گسترش می‌یابد و همه پدیده‌های اجتماعی به ویژه «زبان دینی» آنان را تحت شعاع اقتداری خود قرار می‌دهد مجتهد در این اندیشه بر فراز همه مومنان و شیعیان متعارف جای گرفته و در دانایی و توانایی اش هر چند امام معصوم نیست امام گونه و نایب امام است. (فیرحی، همان: 314) او فقیه سلطان است که به علت علم اجتهادی اش قدرت و مشروعیت حکومت دارد او به دلیل نقشی که در حیات سیاسی شیعه دارد نقل و عقل، حکمت و مصلحت بر وجوب وجود و ظهورش در هر عصر و مصری حکم می‌کند. (همان)

تصریح به منزلت مجتهدان و بویژه تأکید بر ضرورت پیروی از مجتهد زنده بی‌شک می‌تواند در زدودن فلج فکری موثر باشد و لاقفل تا حدودی قیود و جزم را از دست و پای فکر و عقل باز کند.

علاوه بر آن اصولی نظیر ظن و جواز اعمالی که بالصرافه ممنوع شمرده نشده باعث تلقی منعطف‌تری از کاربرد فقه در مسائل مستحدث اجتماعی و سیاسی می‌گردد. (عنایت، همان: 288) اندیشه اصولیون، پیوند حوزه فقه با مردم را از مرحله حس و نقل به مرحله عقل و فکر وحدس منتقل کرد. (فیرحی، همان: 276)

با توجه به آنچه درباره اخباریان بیان شد باید گفت آنان هیچ جایگاه سیاسی و برتری را برای مجتهد قائل نیستند پس دیگر سخن درباره انتقال یافتن یا نیافتن ولایت معصوم علیه السلام به مراجع و فقها بی معناست در واقع آنان برای ولایت مجتهدان، اقتضا و ظرفیتی نمی‌بینند تا بحث از تمامیت و به فعلیت رسیدن آن جایگاه نظری داشته باشد. بنابراین در این دیدگاه فقیه تنها یک راوی حدیث است و آن چه که سبب تکلیف می‌شود مضمون و متون احادیث است نه نظرات فقیه و در یک کلمه اخباری‌ها هر نوع ولایت از سوی امام معصوم علیه السلام را برای فقیه مردود می‌دانند. (ابراهیم، 1379: 21)

بنابراین با موضع‌گیری اخباریان علیه اجتهاد و عدم برتری او نسبت به سایر افراد یکی از مهمترین نتایج اجتهاد یعنی ولایت سیاسی نیز بی‌معنا خواهد بود چرا که در این اندیشه فقیه هیچ برتری بر سایرین ندارد تا بتواند بر آنها ولایت داشته باشد.

ب. عدم اعتبار و نفوذ حکم و فتاوی سیاسی

حکم سیاسی حکم شرعی است که مجتهد جامع الشرایط در وجوب یا حرمت موضوع مشخص یا حرمت موضوع مشخص و معینی صادر می‌کند که علاوه بر صبغه سیاسی، آثار و تبعات اجتماعی و سیاسی نیز دارد. (آل غفور، همان: 205) همانطور که بیان شد اشیاء و امور زندگی در نزد اخباری‌ها تقسیم سه گانه‌ای دارد آنان اشیاء را به حلال بین حرام بین و شبهه‌های واقع بین آن دو تقسیم می‌کنند و در خصوص قسم سوم نوعاً به توقف و احتیاط قائل هستند که نتیجه این اندیشه گسترش دامنه محرمات و محدود کردن حوزه مباحات و آزادی عمل در زندگی شیعه است. (فیرحی، همان: 274)

با این وصف، عالم اخباری در مسائل مختلف سیاسی با قائل شدن به احتیاط و توقف نمی‌تواند در اداره جامعه سیاسی خویش اقدامی انجام دهد و ویژگی احتیاط‌گرایی اخباریان موجب می‌شود آنها از صدور هر گونه حکم و فتاوی سیاسی به دلیل آنکه «نص صریح» آن موضوع در احادیث نیامده اجتناب نماید. این در حالی است که در گفتمان انقلاب اسلامی با معتبر شدن اصل اجتهاد، عالم دینی

از جایگاه ویژه‌ای در صدور احکام سیاسی برخوردار می‌شود.

در گفتمان انقلاب اسلامی؛ اجتهاد گفتمان ویژه‌ای است که با پیوند نظام وار میان قرآن و سنت و عقل و اجماع همانند دستگاهی به تولید و صدور احکام و قواعد اجتماعی و طبعاً زندگی سیاسی شیعه می‌پردازد نوعی فرایند فکری است که با گذر از نظام معنایی ایجاد شده احکام مشروع و الزام‌آوری برای زندگی سیاسی شیعه تولید می‌کند و لاجرم شرایط امکان و نتایج خاصی در اندیشه و عمل سیاسی شیعیان برجای می‌گذارد.

احیای اجتهاد و برخوردارای مجتهد از صلاحیت و جایگاه ویژه برای او و قرار گرفتن او به عنوان مرجعی برای تقلید در بین مردم، زمینه لازم برای اقدامات و حرکت‌های مهم سیاسی شد. در احکام سیاسی مجتهد توان آن را دارد که با تمسک به شرع به بسیج سیاسی مقلدان دست بزند. این اقدامات پس از شکست اخباریان کاملاً قابل مشاهده است که با فتوای جهاد در جنگ‌های ایران و روس شروع شد و در نهایت با پیروزی انقلاب اسلامی به نتیجه رسید.

بنابراین با بازتولید اندیشه اخباری، با توجه به نسبت و میزان جریان بازتولید شده، جایگاه اجتهاد در معرض خطر قرار می‌گیرد چرا که یکی از ویژگی‌های اصلی جریان اخباری مخالفت با اجتهاد است. با از بین رفتن و یا کمرنگ شدن اجتهاد، اولاً مجتهد، شان و برتری بر سایر مردم نخواهد داشت تا از این طریق از قدرت ولایت برخوردار باشد. ثانیاً مجتهد صلاحیتی برای صدور احکام سیاسی که نقش مهمی در تحولات سیاسی دارد نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

بازتولید اندیشه اخباری به عنوان مهمترین رقیب داخلی گفتمان انقلاب اسلامی می‌تواند پیامدهای مخرب فراوانی برای این گفتمان را به وجود آورد. این پیامدها در حوزه اندیشه سیاسی به ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست، ترویج اندیشه تعطیلی حکومت اسلامی و تضعیف جایگاه ولی فقیه و اختیارات او منجر شده و در حیطه عمل سیاسی موجب خدشه در مقبولیت نظام اسلامی در مرحله اول و پس از آن وارد مرحله تقابل با نظام اسلامی خواهد شد. یکی دیگر از پیامدهای سیاسی بازتولید، بی‌اعتباری احکام حکومتی خواهد شد احکامی که نقش بی‌بدیلی در حل مسائل سیاسی نوپیدای جامعه دارد.

بنابراین با توجه به مطالب فوق باید پذیرفت بازتولید اندیشه اخباری دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی که همان اسلامی سیاسی است را مورد تهدید قرار می‌دهد و در صورت قدرت یافتن و در

دسترس قرار گرفتن اندیشه اخباری زمینه افول گفتمان انقلاب اسلامی فراهم خواهد شد.

کتاب شناسی

- 1- ابراهیم، فواد، 1379، «گذری تاریخی بر اندیشه‌های سیاسی شیعه»، کاوشی نو در فقه، سال هشتم، شماره 23.
- 2- استرآبادی، محمد امین، 1424، *الفوائد المدنیة*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- 3- اسفندیاری، محمد، 1388، *خمود و جمود*، تهران، صحیفه خرد.
- 4- انصاری، حسن، 1371، *تشیع امامی در بستر تحول*، تهران، ماهی.
- 5- ایزدهی، سجاد، 1392، *نقد نگرش حداقلی در فقه سیاسی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- 6- آل سید غفور، سید محسن، 1386، *جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی*، قم، بوستان کتاب.
- 7- آل غفور، محسن، 1386، *جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی*، قم، بوستان کتاب.
- 8- بحرانی، یوسف بن احمد؛ 1405ق، *الحدائق الناضرة، تحقیق: محمد تقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- 9- جعفری، محمد و فاضل فلاورجانی، 1392، «بررسی اخباری‌گری و امکان تاثیرپذیری آن از جریان حس‌گرایی غرب»، معرفت، سال چهارم، شماره 2
- 10- جوادی آملی، 1375، عبدالله، *فلسفه حقوق بشر*، قم، موسسه اسراء.
- 11- جوادی آملی، 1392، *آوای توحید*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- 12- جوادی آملی، عبدالله، 1375، «سیری در مبانی ولایت فقیه»، نشریه حکومت اسلامی، ش 1، سال اول شماره اول
- 13- حرّ عاملی، محمد، 1403، *الفوائد الطوسیة*، قم، المطبعة العلمیة.
- 14- حر عاملی، محمد بن حسن، 1409، *وسائل الشیعة*، قم، چاپ اول.
- 15- خراسانی، محمد کاظم، 1392، *کفایه الاصول*، قم، مجمع الفکر الاسلامی.

- پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری‌گری بر گفتمان انقلاب اسلامی □ 141
- 16- خمینی، روح الله، 1373، *ولایت فقیه*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمته الله علیه.
- 17- خمینی، روح الله، 1388، *البیع*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخميني رحمته الله علیه.
- 18- خمینی، روح الله، 1389، *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- 19- روحانی قوچانی، علی و کریم فرجی، 1395 «*نقش علما در ترویج عزاداری عصر صفوی و جلوگیری از بدعت‌ها*» تاریخ نو، سال 6، شماره 14،
- 20- روحانی، حسن، *اندیشه سیاسی اسلام*، 1388، تهران، کمیل.
- 21- سایت تابناک، *مصاحبه با علی اکبر محتشمی پور*، بهمن 1388، www.tabnak.ir.
- 22- سیدباقری، کاظم، 1388، *فقه سیاسی شیعه سازوکارهای تحول در دوره معاصر*، یک جلد، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 23- شعبانی، رضا، 1373، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاری*، تهران، قومس
- 24- عنایت، حمید، 1362، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی.
- 25- فراتی، عبدالوهاب، 1389، *روحانیت و انقلاب اسلامی*، دو جلد، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- 26- فیرحی، داود، 1378، *قدرت، دانش مشروعیت در اسلام*، تهران، نشرنی.
- 27- فیض کاشانی، محسن، 1365، *الوافی*، مکتبه الامام امیرالمومنین.
- 28- گروه مولفان، 1393، *دیانت عاقبت*، تهران، مرکز آموزشی پژوهشی کوثر.
- 29- لکه‌پارت، لارنس، 1364، *انقراض صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران*، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران، مروارید.
- 30- مجلسی، محمدتقی، 1353، *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*، به کوشش سید هاشم رسولی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- 31- مطهری، مرتضی، 1375، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*؛ تهران: انتشارات صدرا.
- 32- میر احمدی، منصور، 1389، *درس گفتارهایی در فقه سیاسی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

142 □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س 7، پاییز 97، ش 26

33- یوسفیان، حسن، 1383، **عقل و وحی**، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

